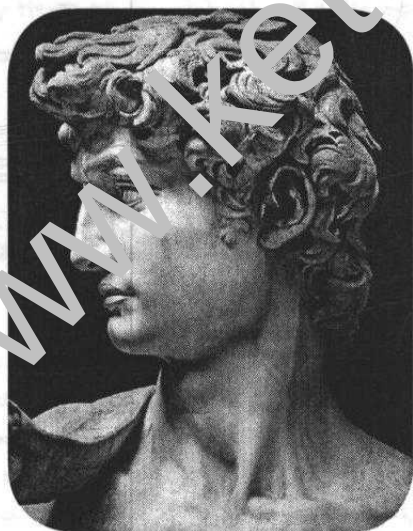


به نام فدای لوح و قلم



اجتماع تنها

(معماری اجتماعی بدن)



دکتر عباس محمدی اصل

سرشناسه: محمدی اصل، عباس، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور: اجتماع تنها (معماری اجتماعی بدن) / عباس محمدی اصل
مشخصات نشر: تهران: آرمان رشد، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص، نمودار

۹۷۸-۶۰۰-۹۸۷۰-۵۳-۰

اجتماع قضاة

فهرست

۷	سخنی با خواننده
۹	مقدمه
۱۵	موضوع اجتماعی بدن
۱۸	حضور غایب بدن در جامعه‌شناسی
۲۲	بدن طبیعی - اجتماعی
۲۵	بدن به عنوان زبان جامعه
۳۰	بدن و نابرابری‌های اجتماعی
۳۳	بدن و تغییر
۳۹	روش‌شناسی اجتماعی بدن
۳۴	دانش اجتماعی زیستی
۴۷	از غریزه زیستی تا انگیزش اجتماعی
۵۲	رفتار بدن در جامعه
۶۵	نقش و کنش بدنی در جامعه
۶۲	مناسبات ژنتیک و فرهنگ در جامعه
۶۹	مسئله اجتماعی بدن
۷۵	بدن طبیعی
۸۰	دستکاری بدن
۸۳	تنسيق بدن
۸۹	سلطه ذهن بر بدن
۹۳	فرضیه اجتماعی بدن
۹۶	برخورد دوگانه با بدن
۹۸	هراس از بدن
۱۰۱	تغافل از بدن
۱۰۶	نقد بدنی جامعه
۱۰۹	گفتمان بدن با ذهن
۱۱۳	مواجهه تاریخی فکر با بدن
۱۱۵	پگانیسم و بدن
۱۳۳	زرتشت و بدن



۱۳۵	ایدئالیسم متقدم و بدن
۱۴۳	ماتریالیسم متقدم و بدن
۱۴۷	ایدئالیسم وسطایی و بدن
۱۵۴	ماتریالیسم وسطایی و بدن
۱۵۵	نسائس و بدن
۱۵۸	شنگری و بدن
۱۶۷	ایدئالیسم متأخر و بدن
۱۷۵	رمانتیسیسم و بدن
۱۸۳	ماتریالیسم متأخر و بدن
۲۰۶	رئالیسم و بدن
۲۱۹	اقتضای اجتماع، همیاری عشق و اراده در بدن
۲۲۱	عشق‌شناسی
۲۲۴	ابتذال عشق
۲۲۷	خلاقیت اروتیک
۲۳۰	صف‌آرایی اراده و میل در برابر
۲۳۲	التفات بدن در میانه میل و اراده
۴۳۲	وحدت تنانه عشق و اراده
۲۳۹	کهن‌الگوی ضمیر ناخودآگاه و بدن
۲۴۲	تبلور کهن‌الگو
۲۴۷	کارکردهای کهن‌الگو
۲۵۹	ویژگی‌های کهن‌الگو
۲۷۲	مهر کهن‌الگو بر ضمیر
۲۸۱	همایندی ذهن و بدن در نوسازی فرهنگ و تمدن و جامعه
۲۸۳	بدن از بازیگری تا سازندگی
۲۸۵	ارگونومی
۲۸۹	گفتمان عشق
۲۹۳	روبوته
۲۹۶	سایبورگ
۳۰۳	موخره
۳۱۳	کتاب‌نما





سخی با خواننده

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی کژی زاید و کاستی
فردوسی

ما در بدن خود دو نیرو می‌یابیم: میل و عقل. شخص بالادب و باتربیت هم در فرهنگ ما کسی است که عقل را بر میل - کم‌گردداند و افسار بدن خود را به میل وانگذازد. انگار کسی که به سرشت عزیز خود دل دهد، آدم نیست؛ زیرا عاقل کسی است که با یک حساب سرانگشتی، - نان ارزش‌های جمعی را بر آورد که هم نظم اجتماعی را حفظ کند و هم در این نظم - دل - برسد و با گذر از بدن به حیات جاوید و خلل‌ناپذیر روح رضایت دهد.

حال سؤال این است: آیا عقلی که چنین به نظارت بر میل - برآزد جنسیت ندارد؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم آیا عقل، جنسیت دارد یا نه؟ بله، بلوای شمول انسانی - جهانی، جنسیت خود را در غلبه بر بدن از تاریخ کتم - برده است؟ در واقع مقصود آن است که روشن شود برخورد عقل با مهم‌ترین امیال نظیر میل جنسی، از تفاهم زنان و مردان در نگاهی مشترک به زندگی برخاسته یا یکی از دو جنس در شرایط زمانی و مکانی خاص، خود را محق یافته در پشت صورتک ارزش‌های عام انسانی راجع به میل خود نسبت به دیگری تصمیم بگیرد و همان را پیاده سازد.

بر این سیاق در کتاب حاضر، رابطه عقل و میل بدن را در تاریخ تفکر پی می‌گیریم تا نسبت آن را با خود و جامعه‌مان روشن کنیم. ابتدا سعی بر آن داریم که نشانگان تأمل در این رابطه را در اساطیر پیشاتاریخ دنبال کنیم و سپس انشعاب این نگاه را در تاریخ اندیشه غرب و شرق تعقیب نماییم. آنگاه به روزگار معاصر و طرح این سوال می‌رسیم که چرا عقل متعالی باستانی به ریاضت ذهنی، حکم داد و چرا عقل ابزاری قرون وسطی و عهد رنسانس به برخورد زاهدانه با میل گرایش یافت و البته با واکنش رمانتیک رجحان شور عشق و طغیان میل جنسی بر عقل مواجه شد؟ اگر در جمع‌بندی این مسائل نیز توفیق یابیم، احتمالاً زمینه‌ای برای تدوین اندیشی نسبت به تعامل عقل و میل در شرایط تاریخی - اجتماعی بدن و نحوه رابطه‌اش با توزیع تنانه دانش و قدرت به روزگار تعمیم جهانی‌شدن روشن می‌گردد. این حال شاید بتوانیم به سؤال ابوسعید ابی‌الخیر پاسخ دهیم که پرسید:

گاهی چونم سر بندگی است
 گه چون حیوان به خواب و خم زندگی است
 گاهم چو بهانم سر بندگی است
 سبحان الله این چه پراکندگی است

ع. س. غمدی اصل
 دانشگاه علامه طباطبائی